

تاریخچه پیدایش فرش

سید رضا علوی

تاریخ فرش با تاریخ خود انسان عجین است. بشر اولیه در طی قرن ها به روش در هم تنیدن الیاف گیاهی و پوست درختان و نتیجتاً صناعی نظیر سیدبافی آشنا شده بود و با بهره گیری از پشم حیواناتی که قابلیت زیست در جوامع اولیه را داشتند می توانست زیراندازهایی نه چندان نرم را تولید کند.

زنان از جمله کسانی بودند که از ابتدا در این فن سعی وافر داشتند و به هنگامی که دیگر افراد به شکار حیوانات می پرداختند به بافت سبدها و دست بافتهای خشن و روپوش حیوانات و کیسه حمل مواد مبادرت می ورزیدند.

زیراندازهای اولیه متشکل از پوست نرم حیوانات و الیاف نرم گیاهی و بویا بود لیکن به لحاظ گسترش جوامع اجتماعی و نبود شکار نیاز به تولید بیشتر زیراندازهای دست بافت روز به روز محسوس تر شد و بافت این گونه زیراندازها تکامل یافت.

حفریهای باستان شناسی نشان می دهد استفاده از بوریای بافته شده از نی های منطقه بین النهرین از هزاره چهارم و پنجم متداول بوده است و بافت گلیم تا سده پانزدهم قبل از میلاد به مرحله بالایی از تکامل رسیده است.

از بافت نخستین قالیچه ها و اینکه چه قومی در ابتدا به این کار مبادرت کرده هیچ گونه اطلاعاتی در دست نیست زیرا قالیچه ها به دلیل ساختار طبیعیشان در اثر رطوبت و حشرات آسیب می بینند. اما به دلیل ماده مورد نیاز تهیه آن یعنی پشم گمان می رود نخست قبایل چادر نشین آسیای مرکزی که کارشان گله داری بوده به صورت ابتدایی به چگونگی تهیه آن پی برده اند.

قالی بافی در دوره مفرغ (۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح)

اولین و یا به عبارتی کشفیاتی که از نشانه ای از هنر قالی بافی در عهد مفرغ را با خود به دنبال دارد مربوط به کارد قالیبافی که توسط " ا.ن. خلوپین " راجع به ابزار مخصوص قالیبافی از جمله کاردک از گورهای عصر مفرغ در ترکمنستان و شمال ایران کشف شده و اولین بار در شماره دوم از دوره پنجم مجله هالی (پاییز ۱۹۸۲) به چاپ رسیده است.

اما روشن ترین در خصوص قالی بافی عهد مفرغ را دکتر علی حصوری به دست می دهد. وی برای اولین بار در سال ۱۳۵۴ با دو ابزار از این نوع مواجه شد که پس از وقوع سیل و پدید آمدن یک گور توسط یک مرد قشقایی در شمال غربی راهجرد و در نزدیکی کامفیروز فارس پیدا شده است. وی در توضیح دلایل تعلق این ابزار به ابزار قالیبافی با بررسی شکل ظاهر و نوع طراحی و ساخت آنها چنین می نویسد:

قطعه ای که سر نیزه و امثال آن به نظر می آید دارای زائده کوچک سوراخ داری در انتهاست که بی شک محل نصب دسته چوبی است اما بسیار ظریف به طوری که با این ظرافت نمی توانسته است برای ضربه زدن به کار رود بلکه به طور قطع در کارهای معمولی و فقط برای بریدن مفید بوده است. اگر این وسیله به عنوان جنگ افزار ه کار رفته باشد باید نوک آن صدمه دیده باشد یا ساییدگی پیدا کرده باشد. این نشان می دهد که وسیله برش بوده است.

قطعه دومی میله بلند جوالدوزمانندی است با سری برجسته و دکمه مانند طول آن ۴۵ سانتیمتر و قطر ته آن در حدود یک سانتیمتر و نوک آن تیز است. در فاصله ده سانتیمتر از ته آن سوراخی در بدنه آن دیده میشود در

صورتی که این وسیله جنگی می بود می بایست که آن هم باریک و سوراخ دار و به هر شکلی باشد که بتوان به آن دسته ای هم متصل کرد .

به نظر می رسد که این ابزار می توانست دو کاربرد داشته باشد : نخست اینکه این ابزار به جای شانه یا دفتین وسیله کوبیدن فرش بوده است در عصری که هنوز دفتین قالبیافتی اختراع نشده بود و اگر شده بود وزنی برای کوبیدن نداشت تا در قالی هم از آن استفاده شود . دیگر اینکه همین ابزار امروزه در میان عده ای از قالیبافان غرب ایران از جمله مناطق افشار - گروس و بخشی از کردستان به کار می رود که آن به کردی سنگ و به ترکی خیلان می گویند . تنها تفاوت در این است که سنگ یا خلال بنا بر الزامات صنعت در دوره ما از جنس آهن است همین سنگ یا خلال را تا پنجاه سال پیش در بخش مهمی از ایران مخصوصا در غرب ایران به کار می برده اند و به فارسی آن را سک (sok) نامیده اند . اما با پدید آمدن کریک نقش و جنس آن در میان آنان عوض شده است و پس از کوبیدن بود دوم با کریک یا دفتین و اغلب قبل از آن برای نظم بخشیدن به چله ها و یکدست کردن آن استفاده می کردند . به این معنی که آن را مورب در دست می گیرند و آهسته روی تارها و در سراسر عرض بافته می کشند و به این ترتیب قطعه دوم مفرغی هم به احتمال بسیار زیاد وسیله قالی بافی است . محل پیدا شدن این دو قطعه در گوری در نزدیکی کامفیروز فارس بوده است . اما اینکه این دو قطعه از گوری پیدا شد دلیل دیگری است بر اینکه ابزار قالی بافی هستند . احتمالا ابزارهای قالی بافی زن بافته را با او به خاک می سپرده اند . بعد از مشاهده دو ابزار مذکور نمونه هایی مفرغی دیگری نیز مشاهده شده که گاه سه یا چهار سک خلال به هم و با حلقه مفرغی دیگری به هم متصل بوده اند . این مرحله دیگری در پیشرفت به سوی ایجاد شانه قالی بافی است یعنی به جای استفاده از یک سک سه یا چهار سک را همراه کرده کارایی آن را چند برابر کرده اند . کهنترین نمونه ای که از این ابزار کشف و ضبط شده از تپه یحیی است که از هزاره سوم قبل از میلاد می باشد و این ابزار همگی و به احتمال ابزارهای قالی بافی هستند .

تاریخ فرش ایران در دوره هخامنشیان

با اطمینان می توان گفت : آنچه که در سال ۱۹۴۹ میلادی کشف شد تنها نادره فرش از دوران شکوهمند پادشاهی هخامنشی است که تا به امروز به عنوان یگانه سند موجود از قالی بافی آن عهد مورد توجه تمام فرش شناسان و محققان شرقی قرار گرفته است .

در سال ۱۹۴۹ میلادی سرگنی رودنکو باستان شناس روس هنگام کاوش در کوره های اقوام سکایی منطقه پازیریک در دامنه های جنوبی جبال آلتایی در سیبری به یافتن دستبافته ای کامیاب شد که تاریخ فرش بافی را به یکباره دگرگون کرد .

دره پازیریک که از نظر باستان شناسی بسیار غنی است در دهه ۱۹۲۰ میلادی کشف شد . محصور کننده ترین یافته ها در گور یا تپه پنجم پازیریک بدست آمده که عبارتست از فرشی در اندازه تقریبا مربع به ابعاد 189.78 در ۲۰۰ سانتیمتر . این فرش کاملا از پشم درست شده و تار آن اندکی کشیده شده و پود های آن به طور شل به تعداد سه و بعضا چهار بار بین هر دو ردیف گره پیچ شده است .

رجشمار این فرش تقریبا برابر با ۲۶۰۰ گره در هر دسیمتر مربع است که تعداد ۳۹ گره در هر 6.5 سانتیمتر و ۴۲ گره در هر ۷ سانتیمتر برای آن محاسبه شده است در مقایسه با فرش های امروزی در رده فرش های خوب و نسبتا نفیس قرار می گیرد . نوع گره مورد استفاده در این فرش از نوع گره معروف به ترکی است .

رنگ این فرش در طول زمان تغییر یافته و رنگ اصلی به سایه های صورتی روشن و سبز کم رنگ تبدیل شده و باید در اصل رنگ بسیار روشنی داشته است . تحقیقات شیمیایی وجود نیل را در آن اثبات کرده و حاکی از آن است که از آن برای رنگ آبی یا متمایل به آن استفاده می شده است .

تصاویر و نقوش موجود بر روی این قالی عبارت است از :

- متن فرش به تعداد ۲۴ عدد مربع که در داخل هر یک ستاره ای هشت پر وجود دارد .
 - ردیف دوم پس از زمینه تصاویر حیوانی افسانه ای شبیه یک شیر بالدار قرار دارد که در اصطلاح به گریفین شهرت یافته .
 - ردیف سوم عبارتست از ۲۴ گوزن شاخ پهن
 - ردیف چهارم یا حاشیه چهارم ستاره ای شبیه به ستاره های هشت پر متن فرش به تعداد ۶۲ عدد .
 - ردیف یا حاشیه پنجم ۲۸ تصویر اسب سوارانی که بطور دو نفر در میان به تناوب بر روی اسب ها نشسته یا در کنار آن ایستاده اند .
 - آخرین حاشیه یا ردیف ششم همان تصویر حیوان افسانه ای بالدار یا گریفین قرار دارد .
- این فرش به دلیل محلی که در آن کشف شده پازیریک نام گرفته شده است .
- فرش پازیریک یافته ای است از هر جهت استثنایی و از این جهت خلاف توقع نظریه پردازان تاریخ بافندگی بوده است.

دکتر علی حسوری یکی از فرش شناسان و محققان فرش ایرانی با بررسی دقیق نقشه و طرح های قالی ایران نتیجه گرفته است که اساس و بنیاد نقشه های فرش ایران که عبارتست از چندین حاشیه در کناره های فرش که یکی حاشیه پهن و در میان دیگر حاشیه ها قرار دارد اساسا منطبق با همان دیوارهای مکرر آبادی ها و باغ های فردوس باستانی است که ایرانیان باستانی به آن اعتقاد داشته اند .

چنان که می دانیم قالی پازیریک هم دارای همین نوع حاشیه و در واقع طرح ایرانی است و طبیعی است که توسط قومی ایرانی بافته شده باشد . تشابه نقوش سواران و مردان پیاده که در کنار اسبان خود راه می پیمایند و جانوران بالدار در این قالی با نقوش تخت جمشید صحت نظر این محقق را قویتر می سازد .

صاحب نظران همچنین معتقدند بافت قالیچه ای با چنین ویژگیها مستلزم دارا بودن پشتوانه ای فرهنگی و هنری در ارتباط با بافت فرش حداقل برای چندین قرن خواهد بود و مبین این نکته است که در قرون متمادی قبل از بافت فرش معروف پازیریک این حرفه در فلات ایران رواج داشته و ایرانیان به رموز آن پی برده بوده اند .

مهمترین نقش پردازی قالی پازیریک ویژگی های آشکار و اشتباه ناپذیر گوزن زرد و شاخ پهن ایرانی است . در بررسی نقوش قالی پازیریک نقش دیگری مورد توجه قرار گرفته است و و آن شیوه گره زدن دم اسب ها و همچنین کاکل آنها به رسم ایرانیان است که عینا در حجاریهای تخت جمشید مشاهده می شود .

همچنین حیوان افسانه ای بالدار که در دو حاشیه مجزا در قالی پازیریک بافته شده است به دفعات در نقوش مختلف در ابزار و وسایل بدست آمده در اقصی نقاط ایران دیده شده است .

تاریخ فرش ایران در دوره اشکانیان

دوران حکومت طولانی و مهم پادشاهی اشکانی که حدود پانصد سال دوام یافت از مبهم ترین روزگاران تاریخ ایرانی بویژه در ابعاد هنری آن می باشد و مهمترین دلیل آن محدود بودن اسناد لازم در خصوص موقعیت آن روز ایران و در نهایت هنر بافندگی و قالی بافی می باشد . تنها سندی که با تردید می توان به دوران حکومت اشکانیان نسبت داد یافته های است که در کاوشهای سال ۱۹۶۷ در شهر قومس انجام شد این کاوشها توسط دو تن از باستان شناسان غیر ایرانی به نامهای استروناخ و جان هاسمان بین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ انجام شد . تا قبل از این کشفیات عمده نظرات در مورد فرش بافی در زمان اشکانیان و ساسانیان منحصر به نوشته های مورخان عرب زبان بود . شهر قومس در صحرای خشک شمال شرقی ایران نزدیک دامغان کنونی قرار داشت . منسوجات شهر در اماکن سه طبقه ای که از خشت ساخته شده بودند کشف گردید . در اواخر دوران بارتی ها (اشکانیان) اینگونه بناها به عنوان گورستان مورد استفاده قرار می گرفتند . البته منسوجاتی که در این جا مطالعه می شوند تمام آنهایی نیستند که در حفاریهای شهر

قومس کشف شده اند بلکه صرفاً قطعاتی انتخابی می باشند که در موزه متروپولیتن که حفاریها را سرپرستی می کرد نگهداری می شود .

باستان شناسان از میان این کشفیات قدیمی ترین نمونه را به نیمه اول قرن یکم قبل از میلاد نسبت می دهند . این قطعه نمدی پشمی و قهوه ای رنگ می باشد که از قسمتی از یک جلیقه می باشد که دارای آستین است . اندازه این جلیقه نمدی که با بندی ابریشمی به اندازه دور گردن همراه است آن را متعلق به یک بچه نشان می دهد و این قدیمی ترین لباسی می باشد که تا به حال در ایران پیدا شده است . همچنین بند ابریشمی این جلیقه قدیمی ترین تکه ابریشمی ایرانی می باشد رنگ این بند ابریشمی آبی مایل به سبز می باشد .

تاریخ فرش در دوره ساسانی

گرچه از دوره ساسانیان نمونه مشخصی موجود نیست لیکن آن طور که از قرائن پیدا است فرش ایران در دوران ساسانی از شهرت و اعتبار جهانی برخوردار بوده است . چنان که سالنامه چینی (سوئی سو) رد این دوران از فرش پشمی ایران به عنوان کالای وارداتی به چین نام برد و در ادبیات فارسی نیز به دفعات از تخت طاووس متعلق به خسرو پرویز پادشاه ساسانی یاد شده که بر آن به روایتی چهار فرش که هر یک نشان دهنده فصلی از سال بوده است گسترده می شده است .

روایاتی که از فرش بهارستان در کاخ تیسفون بیان شده بیشتر به افسانه شبیه است . زیرا با توجه به اندازه آن (90×90) این قالی باید دو تن وزن داشته باشد اما صرف نظر از جنبه های اغراق آمیز اخبار فوق نشانه های از قابلیت و برتری هنرمندان ایرانی و پیشتازی آنان در هنر فرش بافی را بیان می دارد . با ظهور دین اسلام و فروپاشی نظام پر شکوه ساسانیان هنر فرشبافی که بیشتر توسط اشراف حمایت می شد دچار رکود شد و متعاقب آن ظهور ساسله های مختلف و عدم ثبات سیاسی در قلمرو پهناور ایران توان رشد و نمو را از آن باز ستاند ، بخصوص که اعراب به تجملات زندگی توجهی نداشتند و کاخهای رفیع برای در میان گرفتن آنان که به زندگی در صحرا و آسمان ر ستاره در بیابان ت چادرهای حصیری خو گرفته بودند توان فرسا مینمود و به منظور مبارزه با شرک و بت پردازی نقش پردازی از انسان و حیوان را مکروه می دانستند . با پراکنده شدن هنرمندان در شهر های دور و نزدیک هنر فرش بافی با نمودی آشکار به بقای خود ادامه داد . لیکن این روند دیرباید و خلفای بنی امیه و بنی عباس بر خلاف خلفای گذشته در تقلید از شاهان گذشته به این هنر توجه کرده و موجبات شکوفایی این هنر را بوجود آوردند .

ذکر دویست تخت قالی در تاریخ بیهقی متعلق به نیمه اول قرن پنجم هجری در شرح هدایای ارسالی از خراسان توسط علی بن عیسی برای هارون الرشید خود آگاهی بر این نکته است و اخبار و شواهدی که مورخان و جغرافی نگاران اسلامی از این آن در کتب خود درج کرده تند خود دلیل غیر قابل انکاری از وجود فرهنگ پیشرفته قالیبافی ایران است.

مولف حدود العالم که در تاریخ ۸۱۲ آن را به رشته تحریر در آورده به قالیبافی فارسی اشارت دارد و یک قرن بعد مقدسی به وجود قالی های سجاده ای در اراضی مرتفع قانات اعتراف می کند .

یاقوت حموی در قرن ششم هجری از وجود قالی بافی آذربایجان خبر می دهد و ابن بطوطه جهانگرد عرب در راه خود از خور موسی در خلیج فارس به اصفهان هنگام بازدید از ایذه در منطقه بختیاری از فرش سبز رنگی که جلوی وی گسترانیدند یاد می کند .

ادبیات فارسی نیز از این نشانه ها خالی نیست . خاقانی شیروانی به شهرت قالیهای مرنده در اشعار خود اشاره کرده است .

در دوره های بعد نشانه های از روند حیات قالی بافی در دست نداریم و در متون فارسی نیز بر آن اشاراتی نمی رود . کوشش سردمداران سیاسی نیز بیشتر وقف ایجاد ثبات سیاسی و حفظ امنیت کشور است و این روند تا پایان قرن نهم هجری قمری گریز ناپذیر است .

تهاجم مغول آنچه را که دستاورد سلاطین گذشته بود را منهدم ساخت . آنان مردانی جنگجو بودند که دنیا را پشت زین اسبانشان فتح کرده بودند و در مصاف با دشمنان زنانشان را به همراه نمی بردند و قالی که زاده دستان هنرمند زنان است با حمله آنان نه تنها به ایران راه پیدا نکرد بلکه باعث شد تا کارگاه های کوچک بافت قالی نیز به طور کل از بین بروند و طراحان و نقاشان به نقاط دور دست و روستا های دور افتاده بگریزند . این امر که نا خود آگاهانه صورت می گرفت صرف نظر از ایجاد هسته های مرکزی فرش بافی در روستا ها باعث شد تا روستائیان نیز با تحولات و پدیده های شهری آشنا شوند و طرحها از ویژگی و غنای بیشتری برخوردار شوند . لیکن روستائیان به دلیل مهاجرت های اجباری و به واسطه سهولت در حمل و نقل و از همه مهمتر به خاطر دستیابی هر چه سریعتر به در آمدی ناچیز از بافت فرش های در اندازه های بزرگ خودداری می کردند و تنها به بافت قالی هایی در اندازه های کوچک احتتام می ورزیدند .

تاریخ فرش ایران در دوره ایلخانیان

در اخبار آمده است که غازان خان اولین ایلخانی بوده است به دین اسلام گردید و قالیهای برای مقبره خالدبن ولید سردار صدر اسلام به دمشق گسیل داشت وی برای تزئین صحن خود قالی هایی از خطه فارس را فراهم آورد و این خود می تواند دلیل روشن بر برتری و پیشرفت هنر فرش بافی فارس نسبت به سایر شهرستانهای ایران در زمان ایلخانیان باشد .

تاریخ فرش ایران در دوره تیموریان

جانشینان تیموریان بر خلاف گذشتگان افرادی هنر دوست و هنر پرور و بعضی شان در برخی از رشته های هنر دست داشته اند . بایسنقر میرزا خود خطاطی قابل بود . آنان با بزرگداشت نقاشان و هنرمندانی همچون بهزاد هراتی و ایجاد کانون های هنری در اعتلای این هنر گام های موثری برداشتند . نقاشی هایی که از دوره تیموری باقی مانده نشان دهنده علاقه سلاطین تیموری به هنر فرش بافی است .

تاریخ فرش ایران در دوره صفویان

حلقه مفقوده روند تکاملی هنر فرش بافی ایران تا ظهور سلسله صفوی ادامه می یابد و متأسفانه هیچ گونه نمونه قابل استنادی که بتوان با تکیه بر آن پیشرفت این هنر را در طی این دوران مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم در اختیار نداریم .

دوران صفوی عصر مشعشع احیای هنر در تمام زمینه هاست . نمونه های ارزنده موجود در موزه های مشهور جهان نظیر قالی مشهور اردبیل که جهت مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی جد بزرگ صفویان بافته شده و اکنون در موزه ویکتوریا مضبوط است اکثراً حاصل کارگاه های قالی بافی شاهی در این دوران است . حمایت سلاطین با کفایت صفوی و ابراز علاقه آنان به این حرفه سبب شد تا صنعت قالی بافی از حد یک پیشه و حرفه روستایی تا مقام یکی از هنرهای زیبا ارتقاء یابد .

شاه عباس در این مهم سهم بسزایی داشت زیرا وی با تاسیس کارگاه قالی بافی در جوار قصرهای سلطنتی خود بین چهل ستون تا میدان شاه بافندگان را مستقیم زیر نظر داشته تا از کیفیت بافت و ظرافت آنها مطمئن شود. یادداشتهای ساحانی چون تاورینه، شاردن، رابرت شرلی تأییدی بر این گفتار است. ایجاد روابط تجاری با کشور های اروپایی و ورود جهانگردان و سیاحان و سفرا به ایران زمینه گسترش روابط فرهنگی و تجاری را با دیگر کشورها فراهم ساخت و استقبال از قالی های نفیس ایرانی در اروپا بر اهمیت دستیابی و رونق سفارشات افزود.

از این زمان به واسطه مرغوبیت و ظرافت قالی های تولیدی خود پذیرای سفارشات بسیار شد و تولید فرش های زر بافت که حاصل بافت با نخ های طلا و نقره بود. بنا به سفارش دربار لهستان بر رونق آن شهر افزود. این فرشهای لهستانی یا پولونز معروف شدند یادگارهای این دوران و اکنون مایه فخر و مباهات موزه های مالک آنهاست.

شاه عباس با گردآوری بهترین نقاشان و طراحان و بافندگان از اقصی نقاط کشور و تجمع آنها در کارگاه های سلطنتی شاهکار های بی نظیری را در هنر فرش بافی سبب شد و نقش های قالی با الهام از نقوش مینیاتور تذهیب توسط هنرمندان دگرگون شد. با انقراض صفویان افول هنر فرشبافی نیز آغاز گردید.

تاریخ فرش ایران در دوره های افشاریه و زندیه

نادرشاه جهت حفظ انسجام و یکپارچگی کشور فرصت آن را نیافت تا به مسائل هنری بپردازد لیکن رفته رفته با حفظ امنیت و آرامش تامین شده در سایه شجاعت و دلاوری ایرانیان هنری که در خفا به حیاتش ادامه می داد در دوره زندیه اعتبار بیشتری یافت و مورد توجه فرمانروایان قرار گرفت.

تاریخ فرش ایران در دوره های صفویه و بعد از آن

در دوره قاجاریه با رونق بازارهای اروپا که از دوره صفویه آغاز شده بود و در طی قرون متمادی اوج و حسیض فراوانی را پشت سر نهاده بود سیر عادی خود را پیش گرفت. بازرگانان تبریزی و سایر شهر های ایران همت گماشته نه تنها در تبریز بلکه در کرمان، مشهد، کاشان و سایر شهرهای ایران همت گماشته و قالیه های بافته شده از طریق استانبول به اروپا راه می یافتند. با رونق روز اغزون بازار فرش ایران تجار خارجی خود به فکر سرمایه گذاری در ایران افتادند و با ایجاد کارگاه های بافت قالی در شهر های نظیر کاشان و اراک هدایت این فن را به عهده گرفتند و با اعمال سلیقه و دگرگونی اصالت آنها را نادیده انگاشتند.

طرحهای آمریکایی که خواسته آمریکائیان را در بر داشت و تحت عنوان باب آمریکا مورد استفاده قرار می گرفت و کپی از طرح های فرانسوی ابوسون و ساونزی حاصل این دوران را در دگرگونی طرح های اصیل فرش باقی است.

وجود جنگهای بین المللی اول و دوم بازار پر رونق فرش ایران را با رکود ناگهانی روبرو ساخت و کارگاه های بسیاری را که از این طریق ارتزاق می کردند به تعطیل کشاند.

استفاده از رنگهای مصنوعی که با پیشرفت صنعت رنگ کشورهای اروپایی به ایران راه یافت بود و کاربرد گره جفتی از ارزش فرش ایران به طور محسوسی کاست و رکود اقتصادی در کشورهای اروپایی برای چند دهه روند عادی تولید فرش سبب شد.

در حال حاضر بازگشت به اصالتهای گذشته و خلاقیت در طرحها با همت هنرمندان میتواند جایگاه اولیه فرش ایران را در بازار های جهانی تداوم بخشد و هنر جاویدان فرش را چون همیشه اعتلا بخشد.

((استاد عبدالمحمد عمو اغلی))

محمد کهنمویی اهل کهنوی آذرباجان با اشتغال در حرفه نساجی از تجار و تولید کنندگان صاحب نام تبریزی بود و در فاصله سالهای ۱۲۵۰ تا ۱۲۷۰ ه.ش وارد شهر مشهد شد و ضمن تغییر شهرت خود از کهنمویی به عمو اوغلی حرفه نساجی را رها کرد و به کار تولید و بافت فرش روی آورد. محمد عمو اوغلی صاحب دو پسر به نامهای عبدالمحمد و علیخان بود. هر دو فرزند او در امر تهیه و تولید، قالیه‌های نفیسی را از خود به یادگار گذاشته اند که امروزه جزء با ارزشترین قالیه‌های موزه های داخل و خارج کشور است. استاد عبدالمحمد در تهیه نقشه های منحصر به فرد و رنگ آمیزی، مواد مورد استفاده و هماهنگ نمودن نقشه و رنگ قالی تبحر خاصی داشت.

از جمله ابتکارات دیگر عمو اوغلی تهیه قالیهایی به نرمی و سبکی پارچه های آن زمان بود. در مورد رنگرزی و استفاده کامل از رنگهای سنتی کمتر کسی را می توان هم تراز وی یافت. رج شمار فرشهای عمو اوغلی بین ۴۰ تا ۱۵۰ رج در هر ۶/۵ سانتی متر بوده است. اکثر فرشها در حاشیه ها دارای گلیم بافی به صورت سراسری و متصل به فرش بوده اند.

از نمونه های شاهکار فرش این استاد فرش ۷۰ متری ۱۲۰ رج در تالار آینه میباشد که طرح زیبای آن گلدانی است که دسته گل مجللی در آن قرار دارد که به دستور رضاشاه بافته شده و در بالای آن کتیبه ای به این شرح قرار دارد» حسب الامر مبارک بندکان اعلیحضرت همایونی رضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران» و تاریخ آن ۱۱ آذرماه ۱۳۰۷ میباشد.

قسمت هایی از این فرش توسط یکی از استادان مجرب جناب آقای جلیل جداری در سال ۱۳۷۱-۱۳۷۳ مرمت شده است.

منابع

- فرشناه ایران/ فضل الله حشمتی رضوی، حسن آذرباد/ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- تاریخ و هنر فرش بافی در ایران (بر اساس دایره المعارف ایرانیکا)/ احسان یارشاطر، لعلی خمسه/ نیلوفر
- تاریخ فرش سیر تحول و تطور فرش بافی ایران/ فضل الله حشمتی رضوی/ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)